

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: داگمار هن -
فرستنده: علی کاظمی
۰۷ جنوری ۲۰۲۵

کودتای نافرجام در کوریای جنوبی چه ارتباطی با اوکراین داشت؟



آنچه در ۳ دسمبر در کوریای جنوبی رخ داد، یادآور یک کودتای نمایش‌گونه است. ممکن است وسوسه شوید و آن را به‌عنوان خیال‌پردازی یک رئیس‌جمهور گمراه نادیده بگیرید. اما اکنون مشخص شده است که برنامه‌ها بسیار گسترده‌تر بوده و بسختی شکست خورده است.

سه هفته پس از کودتای نافرجام در کوریای جنوبی، که رئیس‌جمهور یون سوک یئول از طریق اعلام حکومت نظامی آن را انجام داده بود، بندریج روشن‌تر می‌شود که کوریای جنوبی، تنها با فاصله‌ای اندک، از بازگشت به یک دیکتاتوری نظامی گریخته است. در عین حال، راز این‌که چرا طی هفته‌ها ادعا می‌شود نیروهای از کوریای شمالی در روسیه حضور دارند، نیز حل می‌شود – پاسخ در کوریای جنوبی نهفته است.

در اواخر شب ۳ دسمبر، یون حالت حکومت نظامی را اعلام کرد، و تنها چند دقیقه بعد تصاویر ستون‌های تانک در خیابان‌های سنول در اینترنت منتشر شد. شب بعد از آن بسیار پرتشنج بود: حدود ۲۰۰ نماینده مجلس به ساختمان پارلمان وارد شدند و در آنجا سنگر گرفتند تا رأی‌گیری را انجام دهند که طبق قوانین کشور می‌توانست حکومت نظامی را لغو کند. در حالی که کارکنان پارلمان با استفاده از میلمان و کیسول‌های آتش‌نشانی از سالون جلسات محافظت می‌کردند، نیروهای ویژه نظامی تلاش کردند پیش از رأی‌گیری به سالون یورش ببرند.

وقتی رأی اکثریت مجلس مبنی بر رد حکومت نظامی اعلام شد، چندین ساعت طول کشید تا یون سوک یئول تسلیم این تصمیم شود و نیروهای نظامی را از خیابان‌ها فراخواند. اکنون پارلمان کوریای جنوبی رأی به برکناری رئیس‌جمهور داده است؛ برای دستیابی به اکثریت دوسوم مورد نیاز، نمایندگانی از حزب حاکم نیز، که حدود یک‌سوم کرسی‌های مجلس را در اختیار دارد، مشارکت داشتند.

در طول این وقایع و حتی پس از آن، واکنش رسمی واشنگتن به طرز قابل توجهی کند بود. در کنفرانس خبری وزارت خارجه ایالات متحده در تاریخ ۳ دسمبر، که به دلیل تفاوت زمانی برگزار شد، در حالی که سرنوشت اوضاع در کوریای جنوبی هنوز مشخص نبود، ویدانت پاتل، سخنگوی وزارت خارجه، بارها از پاسخ مستقیم به پرسش‌های مطبوعات درباره محکومیت حکومت نظامی سر باز زد. این تردید، در مقایسه با واکنش‌های معمول به رخدادهای سیاسی دیگر، مانند نتایج «نامناسب» انتخابات در کشورهایی چون گرجستان، بسیار غیرمعمول بود.

در ارتباط با این رویدادها، این پرسش مطرح شد که آیا این کودتای نافرجام با مناقشه اوکراین مرتبط است؟ و اگر چنین است، این ارتباط تا چه حد است؟ کوریای جنوبی دارای یک صنعت تسلیحاتی نسبتاً پیشرفته است، و پیش‌تر گزارش‌هایی مبنی بر این منتشر شده بود که ایالات متحده از این کشور گلوله‌های جنگی خریداری کرده و آن‌ها را به اوکراین ارسال کرده است. نکته دیگری که می‌تواند گمانه‌زنی‌ها را تقویت کند این است که کوریای جنوبی از راکت‌های کروز «تاروس» ساخت المان استفاده می‌کند، راکت‌هایی که مدت‌ها در لیست درخواست‌های کییف برای حملات عمیق به خاک روسیه قرار داشته‌اند.

با این حال، پارلمان کوریای جنوبی، که اپوزیسیون در آن حدود ۲۰۰ کرسی از ۳۰۰ کرسی را در اختیار دارد، مدتی نه چندان طولانی پیش از کودتا، ارسال تسلیحات به اوکراین را، که رئیس‌جمهور یون از آن حمایت می‌کرد، رد کرده بود.

اکنون پیش‌زمینه این رویدادها اندکی روشن‌تر شده است. روزنامه‌نگار کوریائی، کی‌جی نو، یافته‌هایی را که از جمله توسط پارلمان جمع‌آوری شده‌اند خلاصه کرده است. نتیجه نشان می‌دهد که فاجعه‌ای که در آن شب دفع شد، تنها مردم کوریای جنوبی را تحت تأثیر قرار نمی‌داد.

برنامه‌ریزی شده بود که در ساعت ۱۱ شب به وقت محلی، یک واحد ویژه کوریائی به نام تیپ ۷۰۷ ساختمان مجلس ملی را تصرف کند. این عملیات قرار بود تنها نیم ساعت پس از سخنرانی رئیس‌جمهور انجام شود، سخنرانی که در آن اعلام حکومت نظامی شد.

با این حال، هلیکوپترهایی که این واحد را به ساختمان پارلمان منتقل می‌کردند، به دلیل ترافیک سنگین هوایی بر فراز سنول، نتوانستند مجوز پرواز بگیرند. به همین دلیل، نیروها تا ساعت ۱۱:۴۸ شب به مقصد نرسیدند. در این زمان، نمایندگان مجلس از پیش به ساختمان (که توسط پولیس محافظت می‌شد) دسترسی پیدا کرده و در داخل آن سنگربندی کرده بودند تا بتوانند رأی‌گیری را انجام دهند.

برنامه‌ریزی‌ها شامل جزئیات بیشتری بود. به عنوان مثال، رهبران تمام احزاب باید دستگیر و ربوده می‌شدند. در مصاحبه‌ای با گارلند نیکسون چند روز پیش، کی‌جی نو افزود که احتمالاً هدف اصلی این بود که آنها سپس کشته شوند؛ اما به‌گونه‌ای که کوریای شمالی به عنوان عامل این جنایات متهم شود. وجود چنین گروه‌های ضربتی همان شب کودتا مشخص شد.

تصرف پارلمان برای جلوگیری از لغو حکومت نظامی حیاتی بود. بیانیه اعلام حکومت نظامی شامل ممنوعیت تمامی فعالیت‌های سیاسی، سانسور کامل رسانه‌ها، و ممنوعیت اعتصابات بود. اگر تاریخ کوریای جنوبی به رشته‌ای طولانی از کودتاهای نظامی آلوده نبود، و اگر فرآیند دموکراتیزه شدن بسختی و با خونریزی حاصل نشده بود، احتمالاً ممکن نبود که شمار کافی از نمایندگان مجلس بسرعت پس از اعلام حکومت نظامی به پارلمان رفته و تصمیم به لغو آن بگیرند.

کی‌جی‌نو برآورد می‌کند که برنامه‌ریزی برای این کودتای نافرجام بر اساس الگوی کودتای موفق «چون دو - هوان» در سال ۱۹۷۹ انجام شده بود، اما این بار شکست خورد، زیرا بسیج مخالفان از طریق رسانه‌های اجتماعی بسیار سریع‌تر از آنچه در زمان کودتای نمونه وجود داشت صورت گرفت.

رأی‌گیری موفقیت‌آمیز در پارلمان، برنامه‌های دیگر را متوقف کرد. وزیر دفاع، کیم یونگ - هیون، که اکنون در بازداشت تلاش به خودکشی کرده است، برنامه داشت تا با استفاده از توپخانه و راکت علیه کوریای شمالی اقدام کند. این اقدام، همراه با طرح ترور سیاستمداران، می‌توانست به یک جنگ تمام‌عیار با کوریای شمالی منجر شود. این امر بخشی از اعلامیه حکومت نظامی را توضیح می‌دهد که در ابتداء به نظر می‌رسید تکرار ساده‌ای از لفاظی‌های گذشته باشد: «برای حفاظت از کوریای جنوبی آزاد در برابر تهدیدات نیروهای کمونیستی کوریای شمالی، من بدین‌وسيله حکومت نظامی را اعلام می‌کنم.»

اما آیا ایالات متحده در این طرح‌ها دخیل بود یا خیر؟ به‌طور کلی همه شواهد به دخالت امریکا اشاره دارند. نه‌فقط به‌دلیل نوع روابط بنیادی میان ارتش کوریای جنوبی و امریکا، که در زمان جنگ فرماندهی به‌طور پیش‌فرض به نیروهای امریکائی منتقل می‌شود، بلکه به این دلیل که دقیقاً همان واحد ویژه‌ای که وظیفه تصرف پارلمان را داشت، به‌طور مداوم با واحدهای امریکائی مشابه تمرین می‌کند. از این رو، عدم آگاهی کامل امریکا از این نقشه‌ها غیرممکن بود. همچنین، اکنون مشخص شده است که انتقال نیروها به پارلمان با هلیکوپتر، ماه‌ها پیش تمرین شده بود.

در ماه مارچ امسال، آنتونی بلینکن در جلسه دموکراسی ایالات متحده، که در کوریای جنوبی برگزار شد، این کشور را صراحتاً به‌عنوان «یکی از قدرتمندترین و پویاترین دموکراسی‌های جهان و قهرمانی برای دموکراسی جهانی» ستود. کوریای جنوبی به‌عنوان یکی از کشورهای تعیین‌کننده جهان توصیف شد.

با این حال، عامل دیگری وجود دارد که نشان‌دهنده آگاهی قبلی از این رویدادهاست، و آن، روایت درباره حضور نیروهای کوریای شمالی در جنگ اوکراین است. این روایت در حال حاضر به‌طور یکپارچه در فضای اطلاعاتی وجود دارد، اما در ارتباط با طرح‌های کودتا و جنگ در کوریای جنوبی، می‌توانست کارکرد کاملاً متفاوتی داشته باشد: آماده کردن افکار عمومی غرب برای جنگی که در کوریا برنامه ریزی شده بود، به‌گونه‌ای که دشمن شناخته‌شده یعنی روسیه به کوریای شمالی نیز تعمیم داده شود. به‌عبارتی، این روایت بخشی از یک داستان بسیار گسترده‌تر بود که اکنون پس از شکست کودتا و عدم وقوع جنگ، جایگاه خود را در تاریخ از دست داده و بی‌هدف به نظر می‌رسد. زیرا اگر طرح‌ها در کوریای جنوبی دقیقاً به همان صورتی که اکنون مشخص شده پیش می‌رفت، بعید بود دیگر کسی به‌دنبال شواهدی برای حضور نیروهای کوریای شمالی در روسیه باشد؛ چرا که درگیری‌های جنگی در خود کوریا ظاهراً مدرکی برای این ادعا فراهم می‌کرد.

در واقع، واکنش عجیب ویدانت پاتل، سخنگوی وزارت خارجه امریکا، در جلسه خبری وزارت خارجه نیز این گمانه‌زنی را تقویت می‌کند که دولت امریکا در این برنامه‌ها دخیل بوده است. زیرا در چنین وضعیتی که یک پارلمان از ایجاد یک دیکتاتوری نظامی جلوگیری می‌کند، انتظار می‌رود بیانه‌ای واضح و سریع منتشر شود که نشان دهد دولت امریکا بی‌تردید در کنار دموکراسی قرار دارد، حتی اگر این موضع‌گیری فقط ظاهری باشد. اما گنجی آشکار پاتل بیشتر نشان می‌دهد که برنامه‌ای وجود داشت که با رأی‌گیری پارلمان شکست خورد و پاتل به‌جای ارائه یک بیانیه آماده، به یک‌باره با پرسش‌هایی کاملاً متفاوت مواجه شد، پرسش‌هایی که ممکن بود حتی توجیه کودتا (و احتمالاً جنگ) را شامل شوند. انحراف از یک طرح موجود همیشه مشکلات بیشتری ایجاد می‌کند تا واکنش به وضعیتی که قبلاً تصور نشده بود.

در هر صورت، دامنه این طرح‌ها ثابت می‌کند که دولت کنونی ایالات متحده تقریباً در هر حوزه ممکن تلاش می‌کند پیش از اتمام دوره‌اش یک درگیری «داغ» ایجاد کند. با این حال، اگر بشریت بتواند از هفته‌های پایانی دولت بایدن جان سالم به در ببرد، جالب خواهد بود که ببینیم آیا این مانورها و برنامه‌ها در داخل ایالات متحده پیامدهایی خواهند داشت یا خیر، و اگر چنین است این پیامدها چه خواهند بود. در نهایت، حتی وال‌استریت ژورنال هم اکنون اذعان کرده است که تصمیمات واقعی دولت توسط رئیس‌جمهور جو بایدن گرفته نمی‌شود، بلکه توسط جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی، و آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه، اتخاذ می‌شود.»

با این حال، برنامه‌های جنگی کوریای جنوبی می‌توانستند ایالات متحده را به‌طور مستقیم وارد جنگی کنند که به دلیل وجود یک پیمان دفاعی مشترک میان کوریای شمالی و فدراسیون روسیه، در نهایت به یک رویارویی مستقیم بین ایالات متحده و روسیه منجر می‌شد. همه این‌ها بر اساس تصمیماتی است که توسط مقامات غیرمنتخب اتخاذ شده‌اند؛ افرادی که مشروعیت خود را صرفاً از یک رئیس‌جمهور با توانایی شناختی ناکارآمد کسب می‌کنند و شرایطی را تحریک و برنامه‌ریزی می‌کنند که حق تصمیم‌گیری کنگره ایالات متحده درباره جنگ و صلح را به‌طور کامل دور می‌زند. طبق قانون اساسی ایالات متحده، کاری که این دو نفر، یعنی بلینکن و سالیوان، انجام داده‌اند، در صورتی که دخالت آنها در کودتای نافرجام کوریای جنوبی ثابت شود، مصداق خیانت است.

مانند همیشه، در چنین مواردی، همه ابعاد این ماجرا تنها پس از گذشت زمان روشن خواهد شد. با این حال، مهم است که روشن شدن وقایع ۳ دسامبر محدود به مرزهای کره جنوبی نشود.

راشا تودی، ۲۶ دسمبر ۲۰۲۴

<https://luuul.ru/uv/service/hvtrs8%2F - dg.pt%2Cm - aqign -210524- uaq - ruvsahptswcj - kn%2Fswefkmg%2Fmk>